

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

سنجش حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی

مطالعه موردی: محله حکم آباد تبریز

علی اسکویی ارس^۱، هادی حکیمی^۲

چکیده

مقوله‌ی تعلق به مکان، از جمله‌ی مفاهیمی است که در میان ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی، از درجه اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. چرا که عدم پرداختن به مؤلفه‌های تأثیرگذار در اقلان حس تعلق شهروندان این نوع از سکونتگاه‌ها و به دنبال آن بروز مشکل مهاجرت‌های بی‌رویه، آسیب‌های اجتماعی همچون افسردگی و ... برای آنان، ضرورت توجه به حس تعلق مکانی را بیش از پیش روشن می‌سازد. هدف از پژوهش حاضر، سنجش میزان اهمیت مؤلفه‌های تعلق مکانی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از لحاظ ماهیت توسعه‌ای - کاربردی است. داده‌های مورد نیاز برای پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق ۳۵۰۰۰ نفر بوده و حجم نمونه هم طبق فرمول کوکران معادل ۳۸۰ نفر برآورد گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های پیرسون و فریدمن استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان می‌دهد که اولویت اهمیت مؤلفه‌های تعلق مکانی برای ساکنین محله حکم‌آباد تبریز بدین ترتیب است: رتبه‌ی اول مربوط به شاخص کیفیت محیطی، رتبه‌ی دوم مربوط به تعلق اجتماعی و رتبه‌ی سوم مربوط به هویت مکانی می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل پیرسون نیز نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های «تعلق اجتماعی و کیفیت محیطی»، «کیفیت محیطی و هویت مکانی» و «تعلق اجتماعی و هویت مکانی» همبستگی مثبت وجود داشته ولی به لحاظ آماری از سطح معناداری مطلوبی برخوردار نیستند.

واژگان کلیدی: تعلق مکانی، سکونتگاه‌های غیررسمی، کیفیت محیطی، تعلق اجتماعی، حکم‌آباد

تبریز.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تبریز، ۰۹۳۰۶۶۱۰۳۰۵-۰۴۱۳۴۴۳۲۶۸۵. پست الکترونیک،

ali.oskouee.aras99@ms.tabrizu.ac.ir

^۲. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، ۰۹۱۴۱۶۰۷۸۱۵. پست الکترونیک، h.hakimi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

مکان علاوه بر بعد مادی، بعد غیرمادی نیز دارد و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به دلیل این احساسات نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد می‌شود که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان از واژگانی است که به صورت آزادانه در رشته‌های مختلف علوم انسانی، علوم اجتماعی، آموزش و جغرافیا برای بیان روابط بین انسان‌ها و مکان‌ها استفاده می‌شود (Semken & Freeman, 2008: 1042). تعلق به مکان ورای تجربیات احساسی و قابل درک و شامل اعتقادات فرهنگی و فعالیت‌هایی است که سبب پیوند انسان به محیط می‌گردد (Cross, 2001: 322). احساس تعلق خاطر به مکان در بافت‌های فرسوده و قدیم همواره مهم‌ترین عامل برای دوام و پایداری آن، چه به لحاظ کالبدی و فعالیتی و چه از نظر معنایی و خاطره‌ای بوده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که بر حیات جمعی و روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد، تعلق به مکان خاصی است. آدمی بیشترین و مهم‌ترین ساعات زندگی خود را در مکان سکونت خود می‌گذراند و عمده روابط اجتماعی خود را براساس آن سامان می‌بخشد. انسان با محیط زندگی خود درمی‌آمیزد و مکان یکی از مؤلفه‌های هویت بخش زندگی او می‌شود (Sheykhi, et al, 2015: 46). آن‌چه که در قرن بیست و یکم توجه اذهان عمومی جامعه و سیاست‌گذاران را بیش از پیش متوجه خود ساخته است، مسئله‌ی گسترش روز افزون شیوه‌ای از سکونت می‌باشد که عمدتاً برهم‌زننده ارگونومی^۱ سیستم‌های شهری هستند. سکونتگاه‌های غیررسمی و خودرو، عموماً فاقد استانداردهای مطلوب شهرسازی و ساختمان بوده و به شکلی نامتوازن در درون یا حاشیه شهرها پدیدار می‌گردند. عواملی همچون امنیت شهری، میزان دسترسی به خدمات، کمیت (تراکم مساکن) و کیفیت سکونتگاه‌ها و ... در میزان افزایش یا کاهش تعلق خاطر شهروندان به محل سکونت‌شان تأثیرگذار هستند. پذیرش مسئله حاشیه‌نشینی از سوی شهروندان و مسئولین گامی مؤثر جهت بهبود اوضاع زندگی در مناطق سکونتگاه‌های غیر رسمی، محسوب می‌شود. از جمله‌ی شاخص‌هایی که می‌توان از میزان رضایتمندی ساکنین آگاهی یافت، تعلق خاطر به مکان مورد سکونت می‌باشد. تعلق مکانی در پیوند با سکونتگاه‌های غیر رسمی، روندی همسان را در سیاست‌گذاری‌های شهری تداعی می‌کند. چرا که در جهان امروزه، شهرها و به ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی علاوه بر تأمین نیازهای زیستی ضروری خود، به یک‌سری مؤلفه‌های تداوم‌بخش در نیل به زیست پایدار نیازمندند. احساس تعلق به مکان از جمله آن مؤلفه‌ها است. از جمله مواردی که ضرورت پرداختن به مسأله سنجش احساس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های غیررسمی را تشدید می‌کند، فزونی و گسترش مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا از روستاها به شهرها می‌باشد. گاهاً به علت عدم احساس تعلق خاطر به مکان و محله مورد سکونت، شاهد مهاجرت و نقل مکان از آلودگی‌های قارچ‌گونه و ناهمگون شهری به نواحی دیگر شهر هستیم. بایستی توجه داشت که ساکنین این نواحی غالباً از جهات مختلف آسیب‌پذیرتر از دیگر شهروندان می‌باشند و عدم توجه به مفهوم شریان بخش حس تعلق می‌تواند شهروندان را در آینده‌ای نه‌چندان دور، با مسائلی همچون گسترش مهاجرت‌های بی رویه و ناآگاهانه، افسردگی، بزهکاری و تخریب‌گرایی شهری مواجه سازد. اهمیت حس تعلق به مکان به قدری در شهرهای امروزی بیش از پیش پدیدار گشته است که نیاز جهت ایجاد پارادایم جدید به عنوان حس تعلق مکانی احساس می‌گردد (Becker, 2002: 424). اهمیت احساس تعلق فراتر از محدوده افراد است. هر چه فرد رشد پیدا می‌کند، تعلق خاطرش نه تنها به خانواده بلکه به جامعه، ملت و یا شاید هم یک گروه فرهنگی خاص بیشتر گردد (Kestenberg & Kestenberg, 1988: 536). اهمیت پرداختن به مقوله احساس تعلق به مکان از آنجایی بیشتر نمود پیدا می‌کند که از جمله راه‌حل‌های

^۱. Ergonomy

مشکل مهاجرت‌های بی‌پایه و بدون اتکاء به دانش‌های پیش‌نیاز لازم و ضرور جهت اقدام به مهاجرت، معرفی می‌گردد. چرا که وجود حس تعلق خاطر به محله یا مکان مورد سکونت، خود به خود ملزومات چاره‌اندیشی جهت برون رفت از تصمیمات نادرست را مهیا می‌کند. قطع یقین عدم توجه به ایجاد حس وابستگی به مکان و تحلیل تدریجی احساسات تعلق مکانی از سوی شهروندان، فارغ از تأثیر سوء بر مهاجرت‌ها منجر به عدم حس مشارکت بین شهروندان در اجتماعات، عدم وجود شور و شوق میان ساکنین جهت هم‌افزایی و مشارکت در بهبود اوضاع محلات و ... خواهد شد. با توجه به اینکه تأثیرات منفی عدم احساس تعلق خاطر نسبت به مکان مورد سکونت، از جمله چالش‌های نوظهور در کلان شهرهای ایران محسوب می‌شود، برنامه‌ریزی‌های بخشی دیگر قدرت پاسخگویی و حل آسیب‌های ناشی از این روند را نخواهند داشت و نیاز به یک اجماع کلی و تصمیمات یکپارچه و مدون در تهییج حس تعلق به مکان ضرورت خواهد یافت. تاکنون در رابطه با مشکلات کالبدی، اقتصادی، عمرانی و... در ارتباط با سکونتگاه‌های غیررسمی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته ولی در بعد اجتماعی و مشخصاً در راجع با سنجش میزان احساس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های خودرو، شاهد کمبود تحقیقات جامع و کاربردی بوده‌ایم. از این‌رو در پژوهش حاضر پرسش‌هایی بدین‌صورت مطرح می‌گردد که؛

- اهمیت شاخص‌های تعلق مکانی میان ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی محله احمدآباد تبریز به چه میزان است؟
- کدام یک از مؤلفه‌های تعلق مکانی میان ساکنین از درجه‌ی اهمیت بیشتری برخوردار است و کدامیک کمترین اهمیت را دارا است؟
- آیا رابطه‌ای بین شاخص‌های تعلق مکانی برقرار است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعلق مکانی

در فرهنگ معین، در توضیح واژه‌ی تعلق آمده است که: دل‌بستگی داشتن، در آویختن و آویخته شدن (معین، ۱۳۸۴: ۳۶۷). حس تعلق مکانی مفهومی چند بعدی، پیچیده و بین رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم با مکان را در هم می‌آمیزد. پیچیدگی نظری تعلق به مکان، از یک سو، با مفهوم دل‌بستگی ارتباط پیدا می‌کند که دارای ابعاد بوم‌شناختی، عاطفی و رفتاری است (Brown & Perkins, 1992: 283). از نگاه پدیدار شناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فردی بوجود آمده و با گذشت زمان تداوم یابد (Relp, 1976: 32). هویت مکانی، بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی وی درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند (Proshansky, 1978). حس تعلق به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان - مکان و انسان - انسان در یک مکان خاص است (Altman & Low, 1992: 9). در واقع تعلق به مکان که بر پایه حس مکان بوجود می‌آید، فراتر از استقرار در یک مکان است. شخص بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Steele, 1981: 44). احساس تعلق بر بعد عاطفی تری تأکید می‌کند (Hagerty, et al, 1992: 175). حس تعلق به مکان، یکی از نیازهای ضروری برای انسان‌ها تلقی می‌گردد. از جمله‌ی نیازهایی است که بشر از بدو تولد آن را همراه خود داشته و دارد. براساس دسته‌بندی آبراهام مازلو نیاز به تعلق در رده‌ی نیازهای اولیه‌ی انسانی قرار

می‌گیرد. آنچه که امروزه شاهد آن هستیم در واقع نوعی فرآیند گذار از حس ابتدایی و اولیه تعلق به سوی تعلق خاطر به مکان و محل مورد سکونت می‌باشد که تعلق مکانی نامیده می‌گردد.

سکونتگاه‌های غیر رسمی

ترنر^۱ در سال ۱۹۶۹ نظریه خوش‌بینانه و مثبتی را اتخاذ نمود و اسکان غیررسمی را به‌عنوان راه‌حل مناسب برای حل مشکلات مسکن در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه، توصیف کرد. آبراهام^۲ این شرح را ارائه می‌دهد «ساختمان یا بخشی از یک شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود» (شکوئی، ۱۳۵۵: ۸۰). در حقیقت، Slum تنها به مفهوم محله‌های مرکزی و فرسوده شهر در نظر گرفته شده که ناپایداری بناها به دلیل مجموعه عواملی چون سن بنا، مسامحه‌کاری و متروکه شدن بنا و یا تقسیم آن به بخش‌های فرعی و برای توصیف سکونتگاه‌های فقیرنشین، اصطلاحات بسیار متنوعی به کار رفته است که هر یک نشان‌دهنده جنبه‌ای از ویژگی‌های این سکونتگاه‌هاست. از جمله می‌توان سکونتگاه‌های خود انگیخته، موقتی، خودیار، پیرامونی، حاشیه‌ای، مهار گسیخته، نامنظم، غیررسمی، غیر قانونی، آلونک را برشمرد (ایراندوست، ۱۳۹۳: ۳۶). سکونتگاه‌های غیررسمی، نتیجه‌ی تصمیمات ناآگاهانه افراد به دنبال مهاجرت‌های روستا-شهری بوده که با غفلت از اصول مورد تأیید شورای عالی معماری و شهرسازی اقدام به ساختن مسکن نموده و به افزایش به‌هم ریختگی چهره‌ی شهرها بیش از پیش دامن زده‌اند. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که اسکان غیررسمی، الگوی سکونتی ناصحیح ساخت دست بشر امروزی است که سهواً مجبور به پذیرش شیوه سکونتی غیررسمی شده‌اند.

عوامل تأثیر گذار بر حس تعلق مکانی

الف) زمان: یقیناً عامل زمان بدیهی‌ترین نقش را در میزان اثر بخشی حس تعلق نسبت به مکان مورد سکونت ایفا می‌کند. مدت زمان اقامت رابطه مستقیمی با افزایش یا کاهش میزان تعلق خاطر به محل دارد.

ب) ویژگی‌های کالبدی: عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز، ارتباط درون و بیرون در فضاها، به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، رنگ، بافت و مقیاس، به‌عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک نقش مؤثری در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزا کالبدی نیز عامل مؤثر دیگری می‌باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثر می‌باشند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳).

پ) بی‌تفاوتی نسبت به مکان: این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌گردد ولی می‌تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.

ث) یکی شدن با اهداف مکان: این سطح بیانگر درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند.

^۱. Turner

^۲. Abraham

ج) عوامل شناختی: شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد، بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزو محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد (Matlabi, 2007: 52).

دسته‌بندی انواع احساس تعلق به مکان:

الف) تعلق کالبدی به مکان: تعلق مذکور برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی می‌باشد. ریجرولاک آرکاس^۱ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می‌نماید که بر این اساس فر محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معانی تعلق به خاطر می‌سپارد (پورحیدر، ۱۳۹۴: ۸).

ب) تعلق اجتماعی: این‌گونه از تعلق که عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد (کاشانی‌جو، ۱۳۹۲). لاوسون^۲ در کتاب معروف خود با عنوان «زبان فضا» با اشاره به قوانین اجتماعی محیط به‌عنوان ضوابط طراحی از آنها با نام قوانین نانوشته یاد برده که از هنجارهای ارزشی جوامع منبعث از فرهنگ و تعاملات اجتماعی اشاره می‌کند (پورحیدر، ۱۳۹۴: ۸).

دیدگاه‌های صاحب‌نظران در ارتباط با مقوله‌ی حس تعلق به مکان

دیوید هاروی بیان می‌کند که با افزایش تعداد افراد در شهر؛ افزایش اندازه شهر و تضعیف گروه‌های خویشاوندی باعث رقابت، نفع شخصی، تخصص‌گرایی، تقسیم کار، کاهش روابط عاطفی و در نهایت عدم پایداری احساس تعلق به گروه می‌شود (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

ژان باستیه معتقد است شهر هر اندازه مهم‌تر و وسیع‌تر باشد، ساکنانش کمتر احساس می‌کنند که جزئی از آنند و در آن صورت بیشتر احساس تنهایی و له شدن در زیر کادری غول آسا که در آن به زندگی خود ادامه می‌دهند، خواهند داشت (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

بل^۳ و نیوبای^۴ در مفهوم اجتماع در مورد شهرهای کوچک به رابطه فرقه‌ای اشاره می‌کنند و گرمای عاطفی پیوندهای خصوصی و احساس تعلق را ناشی از همبستگی انسانی اجتماع می‌دانند و معتقدند که مناطق جغرافیایی دارای نظام‌های اجتماعی - محلی، باعث ایجاد احساس تعلق و همبستگی شدید فرقه‌ای می‌شوند (Savage & Alan ward, 1387: 147).

شاخص‌های تعلق مکانی

برای آن که بتوانیم ارزیابی دقیق و درستی از میزان احساس تعلق به مکان داشته باشیم، ضروری است شاخص‌های تعلق مکانی را به‌طور دقیق شناسایی کنیم. در زیر به سه مورد از مهم‌ترین شاخص‌های تعلق به مکان اشاره می‌شود:

^۱. Rijowlak Arcus

^۲. Lawson

^۳. Bell

^۴. New bay

الف) تعلق کارکردی: از جمله‌ی شاخص‌های مهم حس مکان، تعلق کارکردی می‌باشد که برای به دست آوردن میزان آن در مکان بایستی به مؤلفه‌هایی از قبیل لذت بردن از مکان، احساس امنیت، توانایی توصیف مکان، تعلق به مکان، درک معانی مکان، عقیده در مورد مناسب بودن مکان به‌منظور تأمین نیازها اشاره کرد.

ب) تعلق مفهومی: معنای مکان یکی دیگر از شاخص‌های حس تعلق به مکان است که متشکل از زیر بخش‌هایی همچون مناسب و سازگار بودن مکان با سبک زندگی افراد، مناسب با زمینه فرهنگی افراد، مردم دوستی و علاقه افراد مکان به هم، اجتماع و دیدار افراد محله و داشتن خاطرات کهن است.

ج) تعلق احساسی: شامل مؤلفه‌هایی همچون احساس راحتی در مکان، مهم بودن مکان از نظر افراد، متمایز دانستن مکان و افتخار به آن است (بزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

پیشینه پژوهش

بنایوتو^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «برداشت چند بعدی از کیفیت محیط مسکونی و تعلق به محله در شهر و محیط»، با استفاده از یک پرسشنامه چندبعدی برای اندازه‌گیری PREQ و مقیاس یک‌بعدی برای اندازه‌گیری دلبستگی محله، بر روی نمونه ۴۹۷ نفر از ۲۰ محله مختلف در شهر رم متمرکز شده‌اند. پرسشنامه چندبعدی PREQ شامل ۲۰ مقیاس مختلف است که چهار حوزه اصلی را شامل می‌شود: ویژگی‌های معماری و برنامه‌ریزی شهر (شش مقیاس). ویژگی‌های روابط اجتماعی (سه مقیاس)؛ سرویس‌های وقت‌شناس و درون شبکه‌ای (شش مقیاس)؛ ویژگی‌های زمینه (پنج مقیاس). نتایج حاکی از آن است که طول اقامت در همسایگی و سطح اقتصادی - اجتماعی مهم‌ترین تفاوت در مسکن و جمعیت - اجتماعی است. هیدالگو^۲ و هرناندز^۳ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تعلق مکانی: سؤالات مفهومی و تجربی»، تعلق مکانی در سه محدوده مکانی (خانه، محله و شهر) و در دو بعد (کالبدی و اجتماعی) اندازه‌گیری کردند تا مقایسه‌ای بین آنها ایجاد شود. مصاحبه با ۱۷۷ نفر از ساکنین مناطق مختلف سانتاکروز دوتنریف^۴ (اسپانیا)، انجام می‌شود. نتایج بیانگر آن است که تعلق مکانی در درجات مختلف و ابعاد مختلف توسعه می‌یابد. به لحاظ وابستگی به همسایگان ضعف در تعلق مشاهده می‌گردد. دلبستگی اجتماعی بیشتر از دلبستگی جسمی است و درجه دلبستگی و تعلق متناسب با سن و جنس افراد متفاوت است. اسکنل^۵ و گیفورد^۶ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف تعلق مکانی: یک چارچوب سازماندهی سه جانبه»، ابعاد مختلف تعلق مکانی مورد بررسی قرار دادند. ابعاد روان‌شناختی که شامل مؤلفه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری است و نیز بعد مکانی که شامل مؤلفه‌های سطح مکانی، شهر خاص و برجستگی عناصر اجتماعی یا جسمی است. علاوه بر تبیین موارد فوق، به توابع بالقوه تعلق مکانی نیز تأکید می‌گردد. چارچوب‌های تعیین‌شده ممکن است به جهت بررسی چندبعدی بودن، ایجاد تعریف عملیاتی برای مطالعات کمی، هدایت مصاحبه‌های نیمه ساختاری برای مطالعات کیفی و نیز کمک به حل و فصل مشکلات برای استفاده موفقیت‌آمیز از زمین استفاده

۱. Bonaiuto

۲. Hidalgo

۳. Hernandez

۴. Santa Cruz de Tenerife

۵. Scannell

۶. Gifford

گردد. نتایج حاکی از آن است که تعریف یک چارچوب منسجم که تنوع تعاریف تعلق مکانی را به تصویر می‌کشد، می‌تواند یک جایگزین ساختاری مدون را برای مفاهیم مربوط با تعلق مکانی، ارائه دهد که پیش از این در ادبیات احساس تعلق پراکنده مانده بود. آلد‌رمن^۱ و اینوود^۲ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «نامگذاری خیابان و سیاست تعلق خاطر: بی‌عدالتی‌های مکانی در بزرگداشت توپونیمی مارتین لوتر کینگ جونیور»، به این نتایج دست یافتند که تعلق خاطر اهداف متناقض و گاه ناسازگار فعالانی را که به دنبال ادعای فضای شهری هستند روشن می‌کند. از یک سو، کشمکش بر سر خیابان‌هایی که به نام کینگ نامگذاری شده است، روشی را نشان می‌دهد که بخش‌هایی از جامعه آمریکایی آفریقایی در تلاش‌اند خود را در گفتمان‌های عمومی شهرهای ایالات متحده تثبیت کنند. با این حال، هنگامی که آمریکایی‌های آفریقایی تبار نام‌گذاری خیابان را به عنوان بخشی از ادعای حق تعلق دنبال می‌کنند، با موانعی روبرو می‌شوند - چه در خارج از جوامع داخلی و چه در داخل جوامع خود توانایی توزیع مجدد منابع شهر را که اهداف مثبت را تحقق می‌بخشد محدود می‌کند. لئونارد^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «نیاز به تعلق: پیوند اجتماعی و دلبستگی فضایی در شهرک‌های گرینلند»، به این نتیجه دست یافتند که در شمال غربی گرینلند، نیاز به تعلق همچنان یک ضرورت اجتماعی است که همیشه وجود داشته است و مکانیسم‌های مورد استفاده برای تقویت این موضوع دست نخورده باقی مانده است. گرت^۴ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «احساس تعلق در میان پناهندگان تبت در هند: یک مطالعه موردی از شهرک بایلاکپی در ایالت کارناتاکا»، به این نتیجه دست یافتند که یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که پناهندگان تبتی بدون شک احساس تعلق نسبت به جامعه هند را تا حدودی ایجاد کرده‌اند، به‌عنوان مثال از طریق درک مثبت از جو اجتماعی و موفقیت اقتصادی-اجتماعی. با این وجود موانعی مانند تبعیض قابل درک و تسلط محدود به زبان در زبان محلی کارناتاکا از احساس تعلق کامل جلوگیری می‌کند. به‌منظور کاهش این موانع، توصیه‌های سیاست شامل آگاهی از تبتی‌ها در میان شهروندان هند و افزایش دانش در مورد کارناتاکا است. زنگنه و حسین آبادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار)»، سطح تعلق مکانی ساکنان محدوده شرق کال عیدگاه در ۴ بعد تعلق عاطفی، وابستگی مکانی، پیوند اجتماعی و هویت مکانی در حد بالایی است که این امر متناقض با تصور رایج و نقض‌کننده فرضیه اول تحقیق مبنی بر پایین بودن سطح تعلق مکانی ساکنان این‌گونه مکان‌هاست. علاوه بر این، تحقیق حاضر این نتیجه را به دست می‌دهد که ارتباط معناداری بین میزان رضایت ساکنان از وضعیت اجتماعی و کالبدی محیطی سکونتگاه با میزان تعلق مکانی آنان وجود دارد؛ اما ارتباط بین ویژگی‌های فردی و سطح تعلق مکانی معنادار نیست. شیخی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر)»، به این نتیجه دست یافتند که حس تعلق مکانی در اسکان غیررسمی (نسیم شهر) بیش از اسکان رسمی (پرند) است. همچنین سرمایه اجتماعی ساکنان نسیم شهر بیش از ساکنان پرند و سرمایه فرهنگی ساکنین پرند بیش از ساکنین نسیم شهر است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر این است که حس تعلق مکانی در شهر جدید پرند به ترتیب از سرمایه اجتماعی، نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی، سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی و در نسیم شهر به ترتیب از

۱. Alderman

۲. Inwood

۳. Leonard

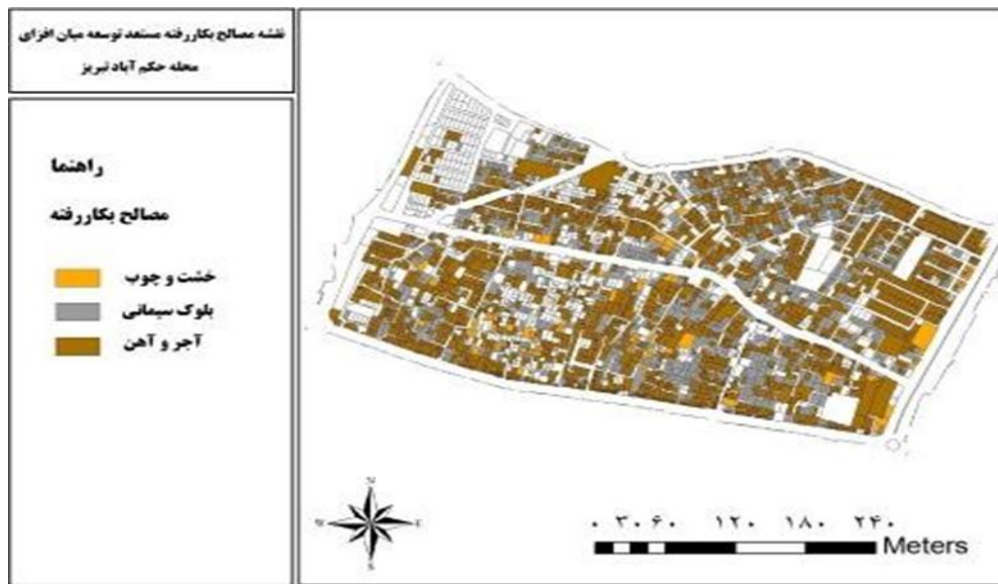
۴. Grent

سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی تأثیر می‌پذیرد. در مجموع مطابق نتایج حاصله، سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر حس تعلق مکان در دو شهر پرنده و نسیم شهر است. عبدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه حاشیه‌نشینی با تهدیدات امنیت ملی: نقش واسطه‌ای حس تعلق مکانی (مورد مطالعه: ماهدشت کرج)»، به این نتیجه دست یافتند که نقش واسطه‌ای حس تعلق مکانی در جهت بررسی تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی بر تهدیدات امنیت ملی مورد تأیید می‌باشد. محمودزاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی حس تعلق مکانی در احیا یافت فرسوده با استفاده از رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی در منطقه ۳ تبریز»، به این نتایج دست یافتند که نتایج رگرسیون وزن‌دار نشان می‌دهد که در بین سه شاخص مورد استفاده (اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی)، بیشترین تأثیر را شاخص اجتماعی دارد. رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: ترک محله شهر ساری)»، به این نتایج دست یافتند که مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت مردمی بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیر مستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز با وسعتی حدود ۲۵۰۵۶ هکتار به لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۳۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی واقع شده است (مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۳۹۰: ۳۳). طبق آخرین آمارها، جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز از مرز ۴۰۰۰۰۰ نفر گذشته است که این رقم معادل یک سوم جمعیت کنونی شهر تبریز را شامل می‌شود. یکی از محلات درگیر با معضل سکونتگاه‌های غیررسمی، محله حکم‌آباد تبریز می‌باشد. محله حکم‌آباد تبریز واقع در محدوده شهرداری ۴ کلانشهر تبریز می‌باشد. طبق آمار نامه سال ۱۳۹۰ محله مورد نظر ۱۴۵۷۴ نفر جمعیت دارد که از این رقم ۷۳۳۹ نفر مرد و ۷۲۳۵ نفر زن می‌باشند. این محله از شمال به خیابان‌های ۱۸ متری فیضیه و خیابان شهید رنجبر و از جنوب به خیابان اره‌گر و از غرب به خیابان شهیدان ذاکر و از شرق به خیابان جهاد محدود می‌گردد.

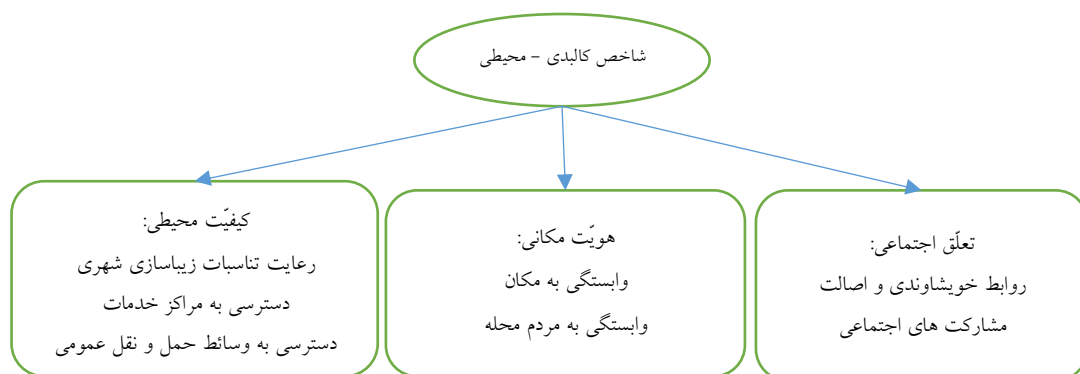
مطالعات انجام گرفته پیرامون وضعیت کالبدی محله حکم‌آباد تبریز، حاکی از آن است که غالب بناهای موجود در این محله مرمتی و تخریبی بوده و نیاز به نوسازی دارند. چرا که بیش از ۶۰ درصد ابنیه بیش از ۳۰ سال از زمان ساختشان گذشته است. اکثر مصالح به کار رفته در محله حکم‌آباد تبریز از بلوک سیمانی، آجر، خشت و چوب هستند و این یعنی در صورت بروز حوادث طبیعی اعم از زلزله این ابنیه از مقاومت کم‌تری برخوردارند و در صورت عدم نوسازی و بازسازی بناها، با موج بزرگی از آمار مربوط به تلفات مادی و جانی مواجه خواهیم شد. در نقشه شماره (۱) به وضعیت مصالح به کار گرفته شده در محله حکم‌آباد تبریز اشاره می‌گردد:



شکل (۱): مصالح به کار رفته در محله حکم آباد تبریز
منبع: خوش سیمای سردرود و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۱.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از لحاظ ماهیت توسعه‌ای - کاربردی است. داده‌های مورد نیاز برای پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق ۳۵۰۰۰ نفر از ساکنان محله حکم آباد تبریز بوده و حجم نمونه هم طبق فرمول کوکران معادل ۳۸۰ نفر برآورد گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و آزمون‌های پیرسون و فریدمن استفاده شده است. روایی پژوهش به روش صوری به دست آمده است و پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است که ضریب آن برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۱۱ است. برای ابعاد کالبدی و محیطی سه معیار (هویت مکانی، تعلق اجتماعی و کیفیت محیطی) انتخاب گردیدند و نیز برای تمامی معیارهای مذکور، هفت زیرمعیار در نظر گرفته شد و تعداد کل گویه‌ها سی و شش مورد هستند. مؤلفه‌های تحقیق که به منظور سنجش میزان تعلق به سکونتگاه‌های غیر رسمی محله حکم آباد تبریز بررسی شده‌اند؛ در شکل (۲) اشاره می‌گردد:



شکل (۲): ابعاد محیطی - کالبدی

جدول (۲): ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	هویت مکانی	تعلق اجتماعی	کیفیت محیطی
ضریب آلفا	۰/۹۶۱	۰/۹۲۸	۰/۹۶۰

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به جهت تجزیه و تحلیل صحیح داده‌های پژوهش، پرسش‌نامه‌ای تحت عنوان پرسش‌نامه عمومی که حاوی اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان می‌باشد؛ تدوین می‌گردد. مؤلفه‌های به‌کار گرفته شده در پرسش‌نامه شامل هفت مؤلفه‌ی: ۱- جنسیت، ۲- سن، ۳- وضعیت تأهل، ۴- تحصیلات، ۵- شغل، ۶- مدت اقامت در محل و ۷- نوع منازل مسکونی می‌باشند. از لحاظ جنسیت، مردان تنها با ۳/۶ درصد اختلاف بیش‌تر از زنان هستند. به لحاظ سنی، گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال؛ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و گروه سنی ۶۰ سال به بالا کمترین فراوانی را شامل می‌شوند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی مربوط به مقطع سیکل و کمترین فراوانی مربوط به مقطع فوق‌لیسانس و بالاتر می‌باشد. به لحاظ وضعیت تأهل، بیشتر افراد متأهل هستند. از لحاظ وضعیت اشتغال، بیشتر افراد در مشاغل آزاد و بازار مشغول به فعالیت اقتصادی هستند و بازنشستگان کمترین فراوانی را در میان تمامی گروه‌های شغلی به خود اختصاص داده‌اند. به لحاظ مدت اقامت افراد در سکونتگاه‌های غیررسمی محله حکم‌آباد، بیشتر ساکنان کمتر از یک سال می‌باشد که در این مناطق سکنی گزیده‌اند و اغلب خانه‌ها از لحاظ نوع تملک، شخصی می‌باشند. به نتایج حاصل از پرسش‌نامه به تفکیک فراوانی و درصد فراوانی داده‌ها در جدول شماره (۳) اشاره می‌گردد:

جدول (۳): مشخصات توصیفی پاسخ‌دهندگان

مؤلفه‌ها	زیرشاخه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۹۷	۵۱/۸
	زن	۱۸۳	۴۸/۲
سن	۱۸ تا ۲۲ سال	۷۵	۱۹/۷
	۲۲ تا ۳۵ سال	۷۳	۱۹/۲
	۳۵ تا ۴۵ سال	۹۹	۲۶/۱
	۴۵ تا ۶۰ سال	۷۵	۱۹/۷
	۶۰ سال به بالا	۵۸	۱۵/۳
وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۱	۳۹/۷
	متأهل	۲۲۹	۶۰/۳
تحصیلات	بی سواد	۸۰	۲۱/۱
	سیکل	۱۳۶	۳۵/۸
	دیپلم	۱۰۴	۲۷/۴
	لیسانس	۵۵	۱۴/۵
	فوق لیسانس و بالاتر	۵	۱/۳
شغل	بیکار	۵۵	۱۴/۵
	بازنشسته	۲۶	۶/۸
	کارمند	۶۹	۱۸/۲

۴۷/۹	۱۸۲	بازاری	
۱۲/۶	۴۸	خانه دار	
۳۱/۸	۱۲۱	کمتر از یک سال	مدت اقامت در محل
۳۱/۱	۱۱۸	۱ تا ۵ سال	
۲۰/۸	۷۹	۵ تا ۷ سال	
۱۱/۳	۴۳	۷ تا ۱۰ سال	
۵	۱۹	بیش از ۱۰ سال	
۷/۱	۲۷	رهنی	نوع منازل مسکونی
۱۹/۷	۷۵	اجاره‌ای	
۷۳/۲	۲۷۸	شخصی	
۰	۰	سازمانی	

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹.

با توجه به هدف اصلی تحقیق که سنجش میزان اهمیت شاخص‌های تعلق مکانی میان ساکنین محله حکم‌آباد تبریز است، سه مؤلفه‌ی؛ هویت مکانی، تعلق اجتماعی و کیفیت محیطی را با توجه به پاسخ‌های ساکنان که براساس طیف لیکرت طبقه‌بندی شده‌اند را به وسیله آزمون فریدمن مورد ارزیابی قرار دادیم. نتایج حاصل از آزمون بیانگر این است که تفاوت چندانی از حیث اهمیت میان شاخص‌های تعلق مکانی از نظر ساکنین وجود ندارد ($p > 0/001$, $df=2$, $0/542 =$ مجذور کای). مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۲/۰۳) به شاخص کیفیت محیطی، بعد از آن شاخص تعلق اجتماعی با میانگین رتبه (۱/۹۹) و در نهایت شاخص هویت مکانی با میانگین رتبه (۱/۹۸) تعلق دارند. در جدول شماره (۴) و شماره (۵) به نتایج آزمون فریدمن و رتبه‌بندی شاخص‌های تعلق مکانی اشاره می‌گردد:

جدول (۴): آمار آزمون فریدمن

N	۳۸۰
Chi-Square	۰/۵۴۲
Df	۲
Asymp. Sig	۰/۷۶۳

جدول (۵): رتبه‌بندی شاخص‌ها

شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ها
هویت مکانی	۱/۹۸
تعلق اجتماعی	۱/۹۹
کیفیت محیطی	۲/۰۳

در مرحله بعد برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه میان متغیرهای تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون میان مؤلفه‌های هویت مکانی و تعلق اجتماعی حاکی از آن است که بین دو مؤلفه‌ی مذکور همبستگی مثبت وجود دارد ولی به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر تعلق اجتماعی و کیفیت محیطی برابر با ۰/۰۴۶ می‌باشد و به جهت آماری رابطه معناداری وجود

ندارد و در نهایت بین مؤلفه‌های کیفیت محیطی و هویت مکانی همبستگی مثبت است بدین معنی که به هر میزان کیفیت محیطی در یک مکان افزایش یابد، هویت مکانی به همان میزان افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان ابعاد کالبدی و محیطی

معیارها	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
هویت مکانی	۰/۰۷۸	۰/۱۲۹
تعلق اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۳۷۳
کیفیت محیطی	۰/۰۴۱	۰/۴۲۳

جدول (۷): نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر هویت مکانی و تعلق اجتماعی

		هویت مکانی	تعلق اجتماعی
هویت مکانی	Pearson Correlation	۱	۰/۰۷۸
	Sig. (2-tailed)		۰/۱۲۹
	N	۳۸۰	۳۸۰
تعلق اجتماعی	Pearson Correlation	۰,۰۷۸	۱
	Sig. (2-tailed)	۰,۱۲۹	
	N	۳۸۰	۳۸۰

جدول (۸): نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر تعلق اجتماعی و کیفیت محیطی

		تعلق اجتماعی	کیفیت محیطی
تعلق اجتماعی	Pearson Correlation	۱	۰/۰۴۶
	Sig. (2-tailed)		۰/۳۷۳
	N	۳۸۰	۳۸۰
کیفیت محیطی	Pearson Correlation	۰,۰۴۶	۱
	Sig. (2-tailed)	۰,۳۷۳	
	N	۳۸۰	۳۸۰

جدول (۹): نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر کیفیت محیطی و هویت مکانی

		کیفیت محیطی	هویت مکانی
کیفیت محیطی	Pearson Correlation	۱	۰/۰۴۱
	Sig. (2-tailed)		۰/۴۲۳
	N	۳۸۰	۳۸۰
هویت مکانی	Pearson Correlation	۰/۰۴۱	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۴۲۳	
	N	۳۸۰	۳۸۰

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به مقوله‌ی تعلق به مکان از این حیث بیشتر نمود پیدا کرده است که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات شهری را می‌توان در عدم اقناع این حس حیاتی جست و جو کرد. به عبارت دیگر شاید در نگاه اول، مسئله‌ی تعلق خاطر به مکان و محله‌ی مورد سکونت زیاد مهم جلوه نکند ولی آثار زیان بار عدم توجه به آن در آینده‌ای نه‌چندان دور توجه تمامی ساکنین و مسئولان شهری را جذب خواهد کرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، رتبه‌بندی اهمیت شاخص‌های تعلق مکانی از نظر ساکنان و بررسی روابط موجود بین مؤلفه‌های تعلق مکانی است. سکونتگاه‌های غیررسمی بیش از دیگر سکونتگاه‌ها درگیر با این معضل اجتماعی هستند. لذا ضرورت پرداختن به وضعیت تعلق مکانی در این مناطق در اولویت قرار دارد. در پژوهش حاضر نیز به این مهم پرداخته شده است. در بررسی نتایج تحقیق حاضر با دیگر تحقیقات انجام شده در بازه‌های زمانی متفاوت در راجع با تعلق مکانی یک وجه اشتراک مهم میان تمامی پژوهش‌ها به چشم می‌خورد و آن هم اینکه نیاز به تعلق به عنوان یک ضرورت اجتماعی تلقی می‌گردد که در تمامی ادوار تاریخ بشری وجود داشته

است و تنها تفاوت در شدت و ضعف برخورداری از این احساس بوده است. آن چه که در پژوهش حاضر بیشتر مورد توجه بوده، ارجحیت داشتن مؤلفه‌ی کیفیت محیطی در مقایسه با دو مؤلفه‌ی هویت مکانی و تعلق اجتماعی بوده است. بدین معنی که ساکنان محله حکم‌آباد تبریز، اهمیت مؤلفه کیفیت محیطی را بیشتر از دو مؤلفه‌ی مذکور اند. این در حالی است که در پژوهش شیخی و همکاران (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها در نظر گرفته شده است. در دانسته پژوهش محمودزاده و همکاران (۱۳۹۸) نیز، بیشترین تأثیر مربوط به شاخص اجتماعی می‌باشد. آنچه که از یافته‌های توصیفی پاسخ‌دهندگان بدست آمد حاکی از آن بود که بازه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند و از این میان تعداد مردان ۳/۶ درصد از تعداد زنان بیشتر بوده است. به لحاظ وضعیت تأهل، غالباً افراد متأهل بوده و از لحاظ تحصیلات بیشترین فراوانی در ارتباط با مقطع سیکل بوده است. فعالیت‌های اقتصادی بیشتر حول محور مشاغل آزاد و بازاری بوده است و از نظر مدت اقامت در محل و نوع منازل مسکونی به ترتیب غالب افراد کمتر از یک سال است که در سکونتگاه‌های غیررسمی احمدآباد تبریز سکنی یافته‌اند و بیشتر خانه‌ها به لحاظ نوع تملک شخصی بوده‌اند. نتایج حاصل از سنجش میزان اهمیت مؤلفه‌های تعلق مکانی میان ساکنین محله حکم‌آباد تبریز حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار میان مؤلفه‌ها بود. چرا که مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۰/۵۴۲ بود که در سطح خطای بیشتر از ۰/۰۵ قرار داشت. ($P > 0/05$). با این حال رتبه‌بندی مؤلفه‌ها بدین ترتیب می‌باشد: الف) کیفیت محیطی (۲/۰۳). ب) تعلق اجتماعی (۱/۹۹). ج) هویت مکانی (۱/۹۸). لذا نتایج دال بر بیشتر بودن اهمیت مؤلفه‌ی هویت مکانی از مؤلفه‌ی تعلق اجتماعی است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون بیانگر آن بود که هر سه مؤلفه‌ی تعلق اجتماعی، کیفیت محیطی و هویت مکانی همبستگی مثبت داشته‌اند ولی به لحاظ آماری از جهت سطح معناداری رابطه‌ی معناداری میان آنان دیده نمی‌شود. چرا که میزان sig در تمامی مؤلفه‌ها بیشتر از مقدار مفروض ۰/۰۵ می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادات زیر جهت اقناع حس تعلق به مکان میان ساکنین محله حکم‌آباد تبریز ارائه می‌گردد:

الف) ارائه تسهیلاتی تحت عنوان تسهیلات باز آفرینی شهری برای شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت در مقیاس کلان کشوری و در مقیاس پژوهش حاضر ارائه تسهیلات ساخت مسکن تا سقف ۴۰۰ میلیون ریال با بهره‌ی کمتر از ۳ درصد از طریق بانک‌ها.

ب) توجه بیشتر به مناسبات فیزیکی، ساختاری، زیباسازی شهری.

پ) ارائه راهکارهایی جهت سهولت در دسترسی به مراکز خدمات اصلی شهر.

ت) ارائه تمهیداتی جهت دسترسی به وسائط نقلیه عمومی شهری در کمترین زمان ممکن.

ث) مروری بر استراتژی‌ها و سیاست‌های کشورهای همسایه که در نحوه‌ی برخورد با مسأله سکونتگاه‌های غیررسمی و چگونگی تحریک احساس پویایی شهروندان در مواجهه با مکان مورد سکونت‌شان موفق عمل کرده‌اند و در نهایت بهره‌گیری از ایده‌های موفق و به کارگیری آن ایده‌ها در مقیاس شهرهای ایران.

منابع

- ایراندوست، کیومرث، اعظمی، محمد، تولایی، روح‌الله، (۱۳۹۳)، «شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران»، نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۲۱، ۴۳-۶۰.
- بزی، خدارحم، میرزاپور، سلیمان، افراسیابی راد، محمد صادق، (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد»، معماری و شهرسازی پایدار، ۲ (۲): ۴.
- پورحیدر شیرازی، فرزانه، (۱۳۹۴). «ارتقاء سرزندگی و حس تعلق به مکان در فضاها شهری»، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، ص ۱.
- جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسم، (۱۳۸۹). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن»، نشریه هویت شهر، شماره ۱، ۳۷-۲۷.
- خوش‌سیمای سردرود، مهسا، روستایی، شهرپور، اصغری زمانی، اکبر، (۱۳۹۹). «بررسی نقش توسعه میان‌افزا در اصلاح بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله حکم‌آباد تبریز)»، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۷۲، ۱۹۱.
- رحیمی روح‌الله، انصاری مجتبی، بمانیان، محمدرضا، مهدوی نژاد، محمدجواد، (۱۳۹۹). «رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: ترک محله شهر ساری)»، معماری و شهرسازی پایدار، شماره ۱، ۲۹-۱۵.
- زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۳). «نیاز به شهر»، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- زنگنه، یعقوب، حسین آبادی، سعید، (۱۳۹۲). «تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مورد مطالعه: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، شماره ۸، ۱۶۲-۱۳۱.
- شکویی، حسین، (۱۳۵۵). «حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن تبریز»، انتشارات دانشگاه تبریز، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز.
- شیخی محمد، امینی سعیده، نظامی آناهیتا، (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر)»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، ۷۴-۴۵.
- عبدی، عطاالله، کرمی، تاج‌الدین، مستجابی، حمید، (۱۳۹۷). «رابطه حاشیه‌نشینی با تهدیدات امنیت ملی: نقش واسطه‌ای حس تعلق مکانی (مورد مطالعه: ماهدشت کرج)»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۱ (۴۳)، ۱۱۳-۱۳۴.
- کاشانی جو، خشایار، (۱۳۹۲). «آشنایی با طراحی شهری از مبانی دانش تا نگرش‌های نوین»، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- مایک، ساوج و آلن وارد، (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه: ابوالقاسم پوررضا، تهران، انتشارات سمت.
- معین، محمد، (۱۳۸۴). «فرهنگ فارسی یک جلدی دکتر محمد معین»، انتشارات راه راشد، چاپ اول، تهران.
- محمودزاده، حسن، صوفی، عثمان، نورمحمدی، سهیلا، (۱۳۹۸). «تحلیل فضایی حس تعلق مکانی در احیاء بافت فرسوده با استفاده از رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی در منطقه سه تبریز»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی.
- مهندسین مشاور نقش محیط، (۱۳۹۰). «طرح و توسعه عمران (جامع) شهر تبریز»، مطالعات محیطی، وزارت راه و شهرسازی.
- Altman, I & Low, S. (1992): "Place Attachment, A Conceptual Inquiry", *Human Behavior and Environment*, 12, pp: 1-12.
- Becker, L. (2002), "The need for new paradigms building a sense of belonging for today's managers", *utility policy*, 1(5): 424-426.
- Brown B.B. & Perkins D.D., (1992). "Disruptions in Place Attachment". In I. Altman, S. M. Low (Eds.), *Human Behavior and Environments: Advances in Theory and Research. Place Attachment*, New York: Plenum Press, Vol. 12, pp. 279-304.
- Bonaiuto M. Aiello A. Perugini, M. Bones M. & Ercolani A. P. (1999). "Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment". *Journal of environmental psychology*, 19(4) 331-352.
- Cross, Jennifer (2001). "What is a sense of place", in the 12th headwaters conference, western state college.

- Derek, H. Alderman & Joshua Inwood (2013). "Street naming and the politics of belonging: spatial injustices in the toponymic commemoration of Martin Luther King", *Jr, Social & Cultural Geography*, 14:2, 211-233, DOI: 10.1080/14649365.2012.754488.
- Grant, A., (2018). "Sense of belonging among Tibetan refugees in India: A case study of the Bylakuppe settlement in Karnataka State", Master thesis International Development Studies (GEO4-3509) Faculty of Geosciences, Supervisor: Dr. A Bailey. Utrecht University.
- Hidalgo, M and Bernardo Hernandez, (2001), "Place Attachment: Conceptual & Empirical Questions", *Journal of Environmental Psychology*, DOI: 10.1006/jevp.2001.0221.
- Hagerty, B. M., Lynch-Sauer, J., Patusky, K. L., Bouwsema, M., & Collier, P. (1992). "Sense of belonging: A vital mental health concept". *Archives of psychiatric nursing*, 6(3),172-177.
- Kestenber, M., & Kestenber, J. (1988). "The sense of belonging and altruism in children who survived the holocaust". *Psychoanalytic Review*, 75(4), 533.
- Leonard, S., (2014), "The need to 'belong': Social connectedness and spatial attachment in Polar Eskimo settlements", DOI: 10.1017/S003224741200085X.
- Matlabi, Gh. (2007). "Recognition of the Form and Function in Architecture". *Publication of Fine Arts*, 52-67.
- Proshansky, H. (1978). "The city and self-Identity". *Environment and Behaviour*, 10(2): 147-169.
- Steele, F. (1981). "The sense of place. Boston: CBI Publishing Company".
- Sheykhi, M., Amini, S., Nezami, A. (2015). "A Comparative Study of the Feeling of Place Attachment in Formal Settlements & Informal Settlements (Parand New Town and Nasimshahr)". *Social Sciences*, 22(69), 45-74.
- Semken, S. and Freeman, C. B. (2008). "Sense of Place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching". *Science Education*, 92, 1042-1058.
- Relph, E (1976) "Place and Placelessness, Pion, London". The Making of Place; Research on Place & Space Website, 20 Feb.2003,12Mar.
- Scannell L. & Gifford R. (2010). "Defining place attachment: A tripartite organizing framework". *Journal of Environmental Psychology*, 30(1) 110.